



نشریه گفتمان
انقلاب اسلامی

نشریه فتح

سال دوازدهم | شماره ۳۰۶ | ۱۳۱۳ دی ۱۴۰۳

ویژه نامه پنجمین سالگرد شهید حاج قاسم سلیمانی

تو علمدارِ فتحِ فردای

راه روشن سردار، مقصدی برای ما

● از جهاد تا شهادت؛ روایتی از زندگی یک قهرمان

◀ مریم ربیعی، دانشجوی کارشناسی امامی دانشگاه آزاد اسلامی چهارم

در تاریخ حماسه‌ساز ایران، نامی می‌درخشد که چون نگینی بر تارک انقلاب اسلامی می‌نشیند: سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی. مردی که جهاد در راه خدا در عمق جان‌ش ریشه داشت. جهادی که از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رفت و به دل‌های انسان‌ها نفوذ می‌کرد. برای او فرقی نمی‌کرد که پیر باشی یا جوان، مرد باشی یا زن؛ او مأنوس با مردم بود و دردهایشان را لمس می‌کرد.

با قلبی پاک به مردم خدمت می‌کرد و با تمام وجود می‌گفت: «مردم پرافتخار و سربلند ایران، جان من هزاران بار به فدای شما»

به‌راستی که او سردار دل‌ها بود؛ قلب تپنده وحدت میان ملت‌های منطقه.

مکتب او، مکتب عشق است. او نمونه‌ای برجسته از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود؛ تجلی‌گاه اسلام انقلابی.

شهادت را داروی درد و آرزوی دیرینه‌اش بود. زمزمه روح بلند او چنین بود: «خداها، مرا پاکیزه بپذیر.»

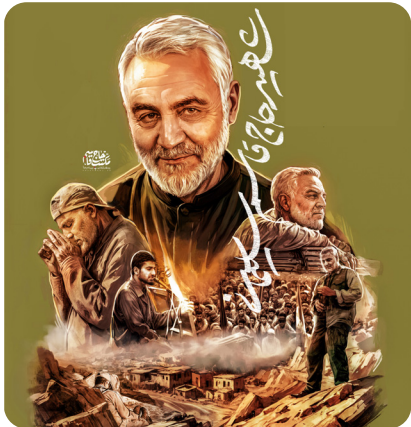
او با خون خود جانی دوباره در رگ‌های درخت تنومند انقلاب، جمهوری اسلامی ایران، جاری ساخت. حاج قاسم می‌گفت: «جمهوری اسلامی حرم است.»

او حرمت این حرم را پاس داشت و جانانه از آن دفاع کرد. با اعتقادی راسخ و توکل بر خدا، همچون شیر خروشان از هیچ دشمنی نهراسید. در راه احیای دین، دفاع از حق و حقیقت، و مبارزه با ظلم و استکبار، از هیچ تلاشی دریغ نکرد.

با درایت و هوشمندی، نقشه‌های شوم دشمنان را نقش‌برآب کرد و به جهانیان نشان داد که ملت ایران، ملتی شکست‌ناپذیر است.

حاج قاسم، راه رسیدن به کمال و مکتب عشق را برای ما روشن کرد. او به ما آموخت که حتی در سخت‌ترین شرایط، امید، عشق به وطن، و گوش‌جان سپردن به رهبر، راه‌گشاست: «ولله، ولله، ولله، یکی از شئون عاقبت‌بخیری، تبعیت از حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد.»

یقیناً راه او، راه خیر است. راه سردار دل‌ها، راهی است که تا ابد ادامه خواهد داشت. وارثان راستین حاج قاسم، مردان و زنانی هستند که دل در گروی خدمت به این آب و خاک دارند و با الهام از او، آینده‌ای روشن تراز همیشه را برای ایران اسلامی رقم خواهند زد. «ما قوی تر از آن هستیم که تصور می‌کنید. یقیناً کله خیر...»



سردار دیپلمات میدان!

● فرماندهی که با ایمان، تاریخ را ساخت

◀ احمدرضا حبیبی بابادی، دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

فرمانده فرهنگی قرن بود. او بدون داشتن رسانه‌های شاخص، به یک مکتب فکری بدل شد که در ذهن فرزندان این دوران حک شده است.

او آن قدر محبوب بود که نه تنها در ایران، بلکه اگر در هر کشور دیگری از خاورمیانه نامزد ریاست جمهوری می‌شد، قطعاً اکثریت آرا را کسب می‌کرد. زندگی او، از خاطرات مردم تا نقل محافل خاورمیانه، یادآور یک قهرمان واقعی است؛ قهرمانی که مردم او را نه به دلیل منصبش، که به خاطر شخصیتش دوست داشتند.

قاسم سلیمانی، حتی بدون حضور فیزیکی، جریان‌ساز و تحول‌آفرین بود. اکنون که برخی با سقوط سوریه، کنایه‌هایی به جمهوری اسلامی وارد می‌کنند، کلامی روشن از رهبری یادآوری می‌شود: «جمهوری اسلامی نیروی نیابتی ندارد؛ آنان که امروز سلاح در دست دارند، با ایمان خود می‌جنگند، نه به نیابت از ایران.»

این سخن هنگامی شفاف‌تر می‌شود که بدانیم قاسم سلیمانی چند بار در یمن، فلسطین، افغانستان و پاکستان حاضر شد تا نیروهای نیابتی تشکیل دهد؟ حقیقت آن است که سپاه قدس، تنها سازمان‌دهنده ایمان‌ها و اراده‌های مردمی بود که خود را از مسیرهای مختلف به میدان مقاومت می‌رساندند. این مجاهدان، نه برای ایران، که برای آرمان‌های اسلامی می‌جنگیدند.

قاسم سلیمانی پیام‌آوری بود که دل‌های خفته جوانان مسلمان را با عطر جهاد بیدار کرد. او نیروهایی ساخت که نه با تکیه بر قدرت سلاح، بلکه با محوریت ایمان سازمان‌دهی می‌شدند. این تفکر، همان است که می‌گوید: «إِذَا غَابَ سَيِّدُ قَامَ سَيِّدُ آخَرُ». جبهه‌ای که مقوم آن ایمان باشد، هرگز از هم نمی‌پاشد.

تمام تلاش دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی استکبار در ترور رهبران مقاومت، از بین بردن این ساختار بود. اما آن‌ها به‌زودی فهمیدند که نیروی هدایت این جبهه از جای دیگری سرچشمه می‌گیرد. قاسم سلیمانی، حتی پس از شهادت، به شخصیتی خطرناک‌تر برای دشمنان بدل شد. چرا که اکنون مکتب مقاومت است که «قاسم‌پروری» می‌کند و تا روز فتح قدس، فرماندهانی همچون او خواهد پروراند.

قرن بیست‌ویکم، علی‌رغم آنکه جنگ‌های متعددی را تجربه کرده است، اما تهی از سرداران سلحشوری است که تاریخ با عظمت از آنان یاد کند. در قرن بیستم، جنگ‌های جهانی و بعدها چریک‌های کمونیست جایی در تاریخ برای خود دست‌وپا کردند؛ اما در سال‌های اخیر، کمتر نام شخصیتی برجسته به چشم می‌خورد. جز آنکه در شب کریسمس سال ۲۰۲۰، با دستور مستقیم بزرگ‌ترین کشور تروریستی جهان، فردی ترور شد که گستره خبر آن، بزرگ‌ترین جشن جهانی را تحت‌الشعاع قرار داد.

قاسم سلیمانی مردی بود که خبر شهادتش از هند و پاکستان تا فلسطین و لبنان، از آمریکای لاتین تا اروپا را درزورید. مردمی که در اعتراض به این ترور، علیه سیاست‌های تروریستی آمریکا به خیابان‌ها آمدند، او را به نمادی جهانی از مبارزه با تروریسم بدل کردند. حاج قاسم بزرگ‌ترین زبان مشترک ضدتروریستی در جهان شد؛ به‌طوری‌که در خاورمیانه، معیاری برای تشخیص تروریست‌ها بود. هرکس در مقابل او می‌ایستاد، خود را معرفی می‌کرد.

کمونیست‌های ضد استعماری آمریکای لاتین، پس از کاسترو و چه‌گوارا، دیگر چریکی ضدآمریکایی نداشتند که بتوانند او را علم کنند. اما مکتب ضد استعماری قاسم سلیمانی چنان جهانی و همه‌فهم بود که تصاویرش به‌زودی در کنار چریک‌های تاریخ‌ساز قرار گرفت. این در حالی است که در میان نظامیان جهان، کمتر فرماندهی وجود دارد که نامش حتی در میان هم‌رده‌هایش مشهور باشد. اما حاج قاسم سلیمانی، نه تنها به‌عنوان یک فرمانده نظامی، بلکه به‌عنوان یک نماد انسانی در قلب مظلومان جهان جای گرفت.

آری، این همان «نیروی مقاومت» جمهوری اسلامی است که اگر در پارلمان‌های اروپا کسی بخواهد به سیاست‌های آمریکا اعتراض کند، ترامپ را قاتل سلیمانی معرفی می‌کند. اگر کسی بخواهد وحشت داعش را به یاد آورد، نام قاسم سلیمانی، معادل یادوحشت است. حاج قاسم نه تنها یک فرمانده نظامی، که بزرگ‌ترین

ای آزادگان و احرار به پاخیزید!

امام روح الله



ای آزادگان و احرار به پاخیزید!

قدرت‌های بزرگ می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقاومت است، چنان بر آمریکا و استکبار غرب سیلی زدید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیت انسانهاست. روز جهاد است. روز احقاق حق است و حق را باید گرفت. امروز روز حضور در جبهه جهاد و شهادت و میدان نبرد است.

صحیفه امام، جلد ۲۱ - صفحه ۱۲



عکس آخر!

تب و تاب جلسه که فروکش کرد، دوتایی تنها شدند، به سید گفت: عکاس خبر کن یک عکس دونفره بگیریم. سید می‌گوید تعجب کردم. همیشه از اهالی دوربین فراری بود و دلش نمیخواست توی دیدشان باشد. از طرفی توی پروتکل‌های پذیرایی و تشریفات ما هم بخشی تحت عنوان عکس یادگاری نداشتیم.

فردا شبش که از بغداد خبرها رسید، متوجه شد چرا اصرار داشته عکس بگیرند.

مردم، مقاوم، خسته از نمایش

آهای مسئولین! قلب مردم یا زباله‌دان تاریخ؟ انتخاب با شماست!

ابوالفضل منصوری، دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق

می‌گویند مردم چه کار به عشق‌ورزی به یک فرمانده نظامی دارند! درست می‌گویند؛ اما اشتباه می‌بینند! قاسم سلیمانی اگر تنها یک فرمانده نظامی بود که وظیفه‌اش را انجام داد و در این راه شهید شد، شاید این گزاره منطقی به نظر می‌رسید. اما مردم قاسم سلیمانی را این‌گونه عاشق نشدند.

آری! او به اذعان بزرگ‌ترین ژنرال‌های جهان، یکی از برترین فرماندهان نظامی دنیا بود. چنین فرماندهی حتماً مایه افتخار مردمش است. اما آنچه ژنرال سلیمانی را «سردار دل‌ها» کرد، نه فتوحات نظامی‌اش در عراق و سوریه، بلکه صندلی شکسته‌اش در میدان جنگ بود. آن پای تا زانو در گل فرو رفته‌اش هنگام سر زدن به مردم سیل‌زده خوزستان بود که او را در قلب مردم جا داد. آغوش‌های پدران‌اش برای فرزندان شهدای مدافع حرم، دست نوازشش بر سر کودکان سیل‌زده، پدري کردنش برای دختران کم‌حجاب، و همراهی‌اش با مردم، قاسم سلیمانی را به نماد عشق و مقاومت تبدیل کرد.

او از مردم بود و با مردم زیست؛ و همین مردم بودند که ۲۷ میلیون نفر را زیر تابوتش گرد آوردند، ده‌ها نفر را بر سر مزارش به مسلخ عشق کشاندند و هنوز هم عکسش را روی طلق شیشه موتورسیکلت‌ها می‌بینید.

مردم نه از مقاومت خسته‌اند، نه از قهرمانانشان دل می‌برند. مردم از نماینده مجلسی خسته‌اند که عکس شهید روی میزش است اما رفتارش خلاف آرمان‌های شهید! مردم از وزیری خسته‌اند که حرفش با عملش دوگانه است. مردم از کارهای نمایشی و همایشی دولتی‌هایی دل‌زده‌اند که درد مردم فقط لقلقه زبان‌شان است.

بله، آقایان دولت و مجلس و...! مردم از آن‌هایی خسته‌اند که چند صباحی فرصت خدمت را به بازی‌های قدرت و ثروت آلوده می‌کنند. حواستان باشد؛ می‌خواهید در قلب مردم جای بگیرید، یا در زباله‌دان تاریخ؟!

هر کدام از مردم به یک نام و عنوان صدایش می‌زنند؛ اما خودش همیشه خود را «سرباز» می‌دانست؛ همان که در نهایت بر روی سنگ مزارش نیز حک شد: «سرباز ولایت، قاسم سلیمانی».

اصلاً همین روحیه سربازی بود که او را سردار دل‌ها کرد و قطره‌قطره اشک از مردم برای فراقش گرفت. مگر نه اینکه سال‌ها در گوشمان وزوز کردند که مردم از مقاومت خسته‌اند؟ مگر نه اینکه خاسان سال‌ها گفتند شعار مردم ایران «نه غزه، نه لبنان» است؟ پس چه شد؟ چگونه سلیمانی، که نماد مقاومت بود و پناه مردم غزه و لبنان، این‌چنین عزیز دل مردم ایران شد؟ واقعاً چه شد که یک فرمانده نظامی این‌گونه در اعماق قلب‌های مردم جای گرفت؟ پاسخ این سؤال را من نمی‌دهم. بگذارید خود مردم پاسخ دهند.

اولاً، هر خناس و جانور موذی که با حمایت اجنبی ادعا کرد مردم ایران از مقاومت خسته‌اند، اشتباه بزرگی مرتکب شد. ما از مقاومت خسته‌ایم؟ ما خود مقاومتیم! مقاومت در برابر رژیم استبدادی پهلوی، مقاومت در برابر هشت سال جنگ تحمیلی (که به‌درستی باید آن را جنگ جهانی سوم نامید)، مقاومت در برابر تهدیدهای مکرر نظامی آمریکا، مقاومت در برابر غرب‌زدگان داخلی، مقاومت در برابر تحریم‌ها، فشار اقتصادی، ترور و تروریسم.

ما چهل و پنج سال است که ایستاده‌ایم؛ مظلوم اما مقتدر، به حکم آیه «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ». کور شود چشمان حسودانی که ندیدند زنان ایرانی چگونه طلای در دستانشان را برای کمک به بچه‌های غزه و لبنان تقدیم کردند، تا وجودشان طلایی شود. یا آن زوج تازه‌عروسی که خانه تازه‌خریدشان را، با وجود اقساط باقی‌مانده، فروختند تا انسان‌هایی هزاران کیلومتر دورتر را نجات دهند و خانه‌ای در قلب‌های آن مردم بسازند. ثانیاً، با اجازه از مردم ایران می‌گویم.



به یاد دخترک کاپشن صورتی

مردم در قاموس ما واژه مقدسی است که به بی‌وطن‌ها اطلاق نمی‌شود. مردم یعنی پدر آن دخترک کاپشن صورتی با گوشواره‌های قلبی که بیشترین هزینه ممکن را یعنی جگر گوشه‌اش و تمام خانواده‌اش را داد. نه آن کسی که به‌خاطر مشکلات جامعه به دعوت رذل‌ترین دشمن ایران، لیبیک می‌گوید و به جای اعتراض و انتقاد صحیح، اغتشاش می‌کند و چنگ می‌اندازد به صورت میهنش.

نه دی، کابوس رویای آمریکایی در ایران

● از درس‌های فتنه ۸۸ تا چالش‌های امروز

④ سیده آتنا رضوی، دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق پردیس خاوران دانشگاه امام صادق

فتنه ۸۸، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی کشورمان است که با اعتراضات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری شروع شد و در چشم برهم‌زدنی به بحرانی گسترده تبدیل شد. در این میدان، ردپای دسیسه‌های فرامرز، به‌ویژه از جانب آمریکا، آشکارتر از همیشه بود. بر اساس گزارش‌های متعدد، حمایت‌های مالی و رسانه‌ای گسترده‌ای از سوی آمریکا و متحدانش، به آشوبگران ارائه می‌شد. این حمایت‌ها هدفی جز ایجاد بی‌ثباتی و براندازی نظام نداشت. با این وجود رسانه‌های فارسی‌زبان خائن، شبکه صهیونیسم، نوچه‌های انگلیسی و جاسوس‌های فراری همگی از مردم ایران در روز نهم دی‌ماه ۱۳۸۸ تودهنی خوردند و لگدمال شدند! برای فهم بزرگی و عظمت این روز، باید به عمق فتنه‌ای توجه شود که به فرموده رهبر معظم انقلاب (حفظه...) محصول برنامه‌ریزی چندین ساله دشمنان ملت ایران و غفلت بازی‌خوردگانی بود که به بهانه شکست در انتخابات، در خدمت سناریوی براندازی دشمن برآمدند و خیابان‌های پایتخت را به آشوب کشاندند. امروزه اما دشمنان ما با ابزارهای پیشرفته و مخفیانه‌تر در صدد نفوذ و تضعیف پایه‌های کشورمان هستند. در این شرایط ما باید هوشیارتر از همیشه باشیم و به نشانه‌های نفوذ، توجه ویژه داشته باشیم.

خطر نفوذ

نفوذ به معنای تلاش مخفیانه و تدریجی برای تأثیرگذاری بر ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشورهاست و همواره ابزاری اصلی برای دولت‌های استعماری بوده است. در دنیای امروز جنگ‌ها دیگر فقط بر سر خاک و مرزها نیستند، بلکه قلب و اندیشه انسان‌ها هم به میدان اصلی جنگ تبدیل شده است. من و شما، به‌عنوان مردم ایران، وارثان تمدنی غنی و پرچمداران آینده، نقشی حیاتی در مقابله با نفوذ داریم؛ بنابراین شناخت و تشخیص نفوذ از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. ابزارهای نفوذ شامل شبکه‌های تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی، سخنان برخی نخبگان و

● به دنبال رهبر

شهید سلیمانی در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به‌شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت اوست؛ ذوب در انقلاب بود. انقلابیگری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود؛ اما در عالم انقلابیگری چرا، به‌شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان... علیه) بود.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸



دشمن هفتادساله

● آمریکا و سرنوشت تلخ کشورهای منطقه

④ بنیامین ظاهریور، دانشجوی کارشناسی عمران دانشگاه آزاد شیراز

سال‌هاست که دندان طمع آمریکا به سمت ایران و کشورهای منطقه است؛ آمریکایی که با آن پدرکشتگی داریم و دشمنی‌ست به وسعت هفتادسال. تلاش بسیار ایران اسلامی و یاران حقیقی امت محمدی، نبض آمریکا و رژیم صهیونیستی را ضعیف کرده بود که با خیانت دولت‌های به‌ظاهر اسلامی منطقه به آمریکا و رژیم صهیونیستی تنفس مصنوعی رساند. اما آنچه که حقیقت است وعده خدا و فروریختن سلطه دروغین و تاریک آمریکا بر منطقه غرب آسیاست. اما این مهم هوشیاری جوامع ایرانی و جمع بزرگ مردم منطقه را می‌طلبد. حوادثی که بر سر مردم لیبی، مصر و امروز سوریه آمد، می‌تواند عبرتی برای مردمان منطقه در برابر راهبرد آمریکا با دشمنانش باشد. در تاریخ، سلسله حوادثی که بر کشور لیبی اتفاق افتاد فراموش نمی‌شود. اینکه لیبی چگونه از کشوری ثروتمند و امن به یکی از فقیرترین و ناامن‌ترین کشورهای جهان تبدیل شده است.

برای لیبی همه چیز از سقوط هواپیمای مسافری آمریکایی در لاکربی اسکاتلند بریتانیا آغاز شد. پس از این اتفاق، موجی از قطعنامه‌ها و تحریم‌های بین‌المللی علیه آن وضع شد. دامنه تحریم‌ها به قدری بود که تجارت نفتی لیبی را نیز تحت‌تأثیر قرارداد. آنچه که مشخص است تحریم‌ها، قذافی را به انعطاف و میز مصالحه با غرب کشاند و این کشور به پرداخت غرامت گزاف به خانواده‌های قربانی پرواز لاکربی وادار شد؛ اما برخلاف انعطاف قذافی، آمریکا تحریم‌های خود را به‌صورت یک‌جانبه ادامه داد و اقتصاد لیبی را هدف خود قرار داد. هم‌زمان غرب تحولات بیداری اسلامی و انقلاب مردم لیبی را در جهت اهداف خود هدایت نمود. علی‌رغم آنکه کشوری مانند بریتانیا با لیبی پیمان همکاری دفاعی منعقد کرده بود با خالی شدن دستان قذافی ائتلافی به رهبری آمریکا و با حضور مؤثر بریتانیا بر لیبی یورش بردند و هرآنچه از زیرساخت که این کشور در طول سالیان مدید توسعه داده بود را ویران کردند. رهاورد حملات ائتلاف امروز برای لیبی چندپاره شدن کشور به دست نظامیان و گروه‌ها مختلف است. از آن روز به بعد ثبات و آرامش از این کشور رنگ باخت.

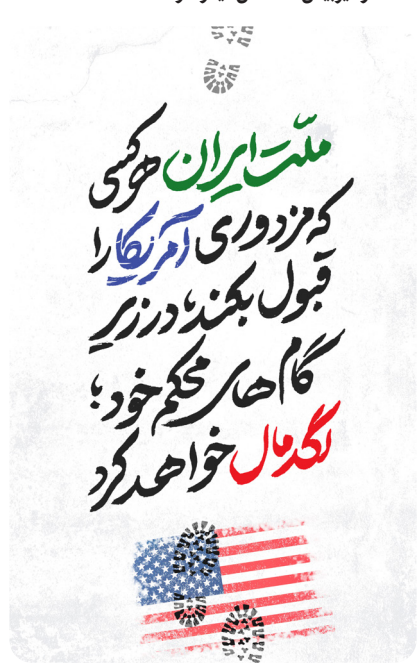
همچنین تجربه مصر و سقوط دولت محمد مرسی نشان داد که حتی اگر اقدام چندی بر علیه آمریکا انجام ندهی، باز هم ممکن است تهدید کودتا به سبک آمریکا متوجه تو باشد. مردمی که با انقلاب دولت مورد وثوق خود را بر مسند قدرت نشانند، شاهد خلع قدرت دولت توسط آمریکا در کمتر از یک سال بودند. امروز نیز تمام اتفاقاتی که در لیبی و مصر گذشت، به شکل مصور در سوریه حادث می‌شود.

باز شدن درهای گفت‌وگو با غرب، باز شدن زخم‌هایی است که ایران در قراردادهای فیکشن‌تاین، مفصل، مجمل و جدیدترینش برجام از جناح غربی خورد. از سرگذشت ملت‌های سرزمین‌های نزدیک می‌توان عبرت گرفت که نزدیکی به شیطان بزرگ یعنی آمریکا تنها آورده‌ای که دارد ذلت و پایمال شدن عزت ملی است.

سیاستمداران و سلبریتی‌ها، تحریم‌ها، کاهش ارزش ارز کشور، جاسوسان داخلی و خارجی، عملیات سایبری، برخی سازمان‌های مردم‌نهاد و خبریه‌ها با اهداف سیاسی پنهان، حتی ارائه بورس‌های مخصوص ایرانیان برای تأثیرگذاری بر ذهنیت آنها، و نیز ابزارهای هوش مصنوعی جهت شناسایی الگوریتم‌های رفتاری مردم یک کشور و طراحی نقشه جهت‌دهی به افکار اذهان عمومی می‌شود. اما مقابله با انواع نفوذ نیازمند یک رویکرد چندجانبه است. مانند یادگیری نحوه صحیح مطالبه‌گری. مطالبه‌گری صحیح از مسئولین کشور حق هر ایرانی است، اما تلاش برای برهم‌زدن نظم و امنیت کشور، چیزی جز همدستی با دشمن نیست. امروز، هر کسی که آگاهانه یا ناآگاهانه به امنیت کشور ضربه بزند، سربازی در خدمت آمریکاست.

میراث گران بها

تاریخ معلمی بی‌رحم است، اگر از آن نیاوریم، درس‌هایش را دوباره به ما خواهد آموخت. در شرایط امروز کشور، اهمیت این موضوع بیشتر از گذشته احساس می‌شود. در فضایی که دشمنان از هر بهانه‌ای برای ایجاد تفرقه در کشورمان استفاده می‌کنند، هرکس که آگاهانه یا ناآگاهانه به امنیت کشور ضربه بزند سربازی در خدمت آمریکا و صهیونیسم است. امروزه اما نفوذ دشمن دیگر به روش‌های قدیمی محدود نمی‌شود، بلکه در دل روزمرگی، عادات و طرز فکر ما جریان پیدا می‌کند. رسالت ما این است که به نقش خودمان در محافظت از امنیت ملی واقف باشیم و اجازه ندهیم چالش‌های داخلی، به فرصتی برای بهره‌برداری دشمن تبدیل شود. این تجربه تاریخی، درسی برای امروز ماست که بدانیم امنیت کشور، میراث گران‌بهایی است که حفظ آن به اتحاد و تیزبینی همگانی نیاز دارد.



شناسنامه: مدیر مسئول: مهدی فیروزمند | جانشین مدیر مسئول: امیر غلامی | سردبیر: علی رضایی | فتوح؛ نشریه بسیج دانشگاه امام صادق
هیئت تحریریه: احمدرضا حبیبی بآبادی، مریم ربیعی، ابوالفضل منصوری، سیده آتنا رضوی، بنیامین ظاهریور @ FATHISU_ir

نشریه: نشریه گفت‌وگو با امامان انقلاب اسلامی | با همکاری معاونت سیاست‌ورزی | باتشکر از بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد شیراز، بسیج دانشجویی پردیس صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام | سازمان بسیج دانشجویی کشور | خاوران دانشگاه امام صادق (ع) و بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد چهرم ۳۰۶ | نشریه: فتوح